

ترازِ حیات

ساختارشناسی عدالت

در

نهج البلاغه

مصطفی دلشاد تهرانی



انتشارات دریا

تهران، خیابان دکتر شریعتی، پل رومی، خیابان قیصریه،
نرسیده به بلوار کاوه، شماره ۹۸، تلفن: ۲۲۶۷۰۲۳۳

تراز حیات: ساختارشناسی عدالت در نهج البلاغه

مؤلف: مصطفی دلشاد تهرانی

حروفچینی و صفحه‌آرایی: شیوا ناطقی • طراحی جلد: حسین صمدزاده

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شنا

نوبت چاپ: چاپ اول، پاییز ۱۳۹۰

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه • قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۳۱۳-۳۰-۸ ISBN: 978-964-7313-30-8

دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۳۲ -)
تراز حیات: ساختارشناسی عدالت در نهج البلاغه / مصطفی دلشاد تهرانی. تهران: دریا،
۷۱۸ ص.
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه: ص. [۶۸۷] - ۷۱۸.
۱. علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه. اخلاق.
۲. علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه. نقد و تفسیر.
الف. علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه. شرح.
ب. عنوان.
ج. عنوان: نهج البلاغه. شرح.
۲۵۸ الف / ۹۱ / ۲۸ BP
۱۳۹۰

فهرست مطالب

۱۷	پیشگفتار
۱۹	جایگاه نهج البلاغه
۲۰	مؤلف نهج البلاغه
۲۰	چرایی و چگونگی تألیف نهج البلاغه
۲۳	انگیزه تألیف نهج البلاغه
۲۴	تبویب نهج البلاغه
۲۵	کمیت نهج البلاغه
۲۷	وجه تسمیه و وجه شاخص تألیف
۲۸	کتابی شگفت
۳۱	روش های مرور و مطالعه نهج البلاغه
۳۲	روش ترتیبی
۳۳	روش تجزیه ای
۳۳	روش موضوعی
۳۵	دیباجه
۳۷	امام علی (ع) پیشوای عدالت خواهان و عدالت ورزان
۳۸	عدالت در نهج البلاغه
۳۸	عنوان کتاب

۳۹	 ساختار کتاب
۴۱	 ترازِ حیات
۴۳	 بخش اول: مفهوم‌شناسی عدالت
۴۵	 جایگاه مفهوم‌شناسی عدالت
۴۶	 قرار دادن و قرار یافتن هر چیز در جای خودش
۴۸	 انصاف و داد
۵۲	 مساوات
۵۹	 رعایت حقوق و رساندن هر ذی‌حقّی به حقّش
۶۱	 اعتدال و میانه‌روی
۶۳	 بخش دوم: جایگاه‌شناسی عدالت
۶۵	 عدالت و عدالت‌خواهی در نگاه امام علی (ع)
۶۹	 گسترهٔ عدالت در اندیشهٔ علوی
۷۲	 ایستادگی امیرمؤمنان علی (ع) بر عدالت
۸۷	 بخش سوم: ملازمه‌شناسی عدالت
۸۹	 ملازمات عدالت
۹۱	 آزادی
۹۳	 پیوند عدالت و آزادی
۹۶	 جلوه‌های ملازم بودن آزادی و عدالت
۹۶	 آزادی‌های شخصی و فردی
۹۶	 آزادی برگزیدن هدایت و ضلالت
۹۷	 آزادی انتخاب راه و عمل
۹۹	 آزادی انسان برای سازندگی خویش در فرصت این جهانی

فهرست مطالب / ۷

۱۰۱	آزادی تعیین مکان زندگی
۱۰۲	آزادی‌های اجتماعی - سیاسی
۱۰۲	آزادی تعیین سرنوشت اجتماعی - سیاسی
۱۰۳	آزادی انتخاب حکومت و زمامدار
۱۰۷	آزادی در بیعت
۱۰۹	آزادی عقیده
۱۱۲	آزادی بیان: آزادی نظر، انتقاد، اعتراض، دادخواهی
۱۲۰	جهت‌گیری حکومت
۱۲۵	اخلاق
۱۲۷	پیوند عدالت و اخلاق
۱۲۷	تحقق برنامه عدالت از مجرای اخلاق
۱۳۳	جهت‌گیری حکومت
۱۳۸	پایبندی به اخلاق در پیشبرد برنامه عدالت
۱۴۵	پاسداشت اخلاق در تنگناهای تحقق عدالت
۱۵۱	حقوق
۱۵۳	مفاهیم حقوق ملازم عدالت
۱۵۶	حقوق ملازم عدالت
۱۶۰	هم‌گامی عدالت و حقوق
۱۶۴	تأکید بر عدالت حقوق‌مدار
۱۶۹	قانون
۱۷۱	قانون، ملازم عدالت
۱۷۴	هم‌گامی عدالت و قانون
۱۸۱	تأکید بر عدالت قانون‌گرا

۱۹۳	بخش چهارم: وجوه‌شناسی عدالت
۱۹۵	وجوه عدالت
۱۹۷	عدالت فردی
۱۹۹	انسانِ عدالت‌مدار
۲۰۱	شاخصه‌های عدالت فردی
۲۰۱	پایبندی به موازین عدالت
۲۰۲	داوری کردن به زیان خود
۲۰۳	عدالت‌خواهی
۲۰۶	انصاف‌ورزی
۲۰۹	عدالت اجتماعی
۲۱۱	جایگاه عدالت اجتماعی
۲۱۵	لوازم عدالت اجتماعی
۲۱۷	پاسداشت حقوق و حدود
۲۱۹	بسامانی گروه‌های اجتماعی
۲۲۵	سپاهیان و برپایی درست آنان؛ و پایداری شهروندان پیوستگی کار سپاهیان و مالیات‌دهندگان با قاضیان و کارگزاران و
۲۲۸	نویسندگان
۲۲۹	پیوستگی جامعه به بازرگانان و صنعتگران
۲۳۰	طبقه فرودین و رسیدگی به آن
۲۳۱	بسامانی ارزش‌های اجتماعی
۲۳۵	مدارای اجتماعی
۲۳۹	عدالت سیاسی

فهرست مطالب / ۹

جایگاه عدالت سیاسی	۲۴۱
لوازم عدالت سیاسی	۲۴۵
پاسداشت حدود و مرزهای الهی	۲۴۷
پایبندی به کیفیت استخدام وسیله	۲۵۲
صراحت و صداقت	۲۶۳
اعتدال و میانه‌روی	۲۶۸
رفق و مدارا	۲۷۳
عدالت مدیریتی	۲۷۹
جایگاه عدالت مدیریتی	۲۸۱
لوازم عدالت مدیریتی	۲۸۵
پاسداشت شایسته‌سالاری	۲۸۷
درایت	۲۹۰
معرفت	۲۹۱
عدالت	۲۹۲
قوت	۲۹۴
سلامت	۲۹۵
گزینش	۲۹۷
تبیین و تعریف امور	۲۹۹
تأمین زندگی	۳۰۳
امنیت شغلی	۳۰۴
شفاف‌سازی	۳۰۹
نظارت، بازرسی، پیگیری	۳۱۱
حسابخواهی و حسابرسی	۳۱۷

- ۳۲۷..... ارزشیابی، قدردانی، جزادهی
- ۳۳۴..... فراهم کردن زمینه اصلاح و پیشگیری از بروز خلاف
- ۳۳۵..... عمل به موقع و بجا
- ۳۳۶..... رعایت حد و اندازه
- ۳۳۶..... تعلق تشویق و تنبیه به عمل و صفت
- ۳۳۷..... زدودن بدی‌ها با رشد دادن خوبی‌ها
- ۳۳۸..... آموزش و تربیت
- ۳۵۵..... بسامان‌سازی
- ۳۵۹..... عدالت اقتصادی
- ۳۶۱..... جایگاه عدالت اقتصادی
- ۳۷۳..... لوازم عدالت اقتصادی
- ۳۷۵..... زمینه‌های عدالت اقتصادی
- ۳۷۷..... نگاه منفی به ناداری و کمبودداری
- ۳۷۷..... نکوهش ناداری و کمبودداری
- ۳۷۹..... آثار فقر در نگاه امام علی (ع)
- ۳۸۰..... آثار فردی
- ۳۸۰..... آثار روحی - عقلی
- ۳۸۰..... آشفته‌گی عقل
- ۳۸۱..... نومیدی و سستی
- ۳۸۱..... افسردگی و اندوه‌باری
- ۳۸۱..... احساس خواری و بی‌حرمتی
- ۳۸۳..... تشویش و مشغول‌سازی
- ۳۸۳..... آثار اعتقادی - ایمانی

فهرست مطالب / ۱۱

۳۸۳	آسیب‌دیدگی و کاستی اعتقادی - ایمانی
۳۸۴	آسیب‌دیدگی کفر و بی‌ایمانی
۳۸۴	آثار اخلاقی - رفتاری
۳۸۵	کینه و دشمنی
۳۸۵	کم‌حیایی
۳۸۵	آثار اجتماعی
۳۸۶	انزوا و خُشنای اجتماعی - سیاسی
۳۸۷	بی‌اعتباری و بی‌اعتنایی
۳۸۸	خط فقر
۳۹۵	نگاه به دارایی و ثروت
۳۹۶	دو رویکرد به دارایی و ثروت
۴۰۱	رویکرد مثبت به دارایی و ثروت: ستایش دارایی و ثروت
۴۰۲	آثار رویکرد مثبت به دارایی و ثروت در نگاه امام علی (ع)
۴۰۲	آثار فردی
۴۰۲	پاسدداشتِ حرمت و آبرو و حیثیت
۴۰۳	اندوخته آخرت
۴۰۴	آثار اجتماعی
۴۰۴	ادای حقوق اجتماعی
۴۰۵	سودرسانی به جامعه
۴۰۶	آرامش خانوادگی
۴۰۷	رویکرد منفی به دارایی و ثروت: نکوهش دارایی و ثروت
۴۰۹	آثار رویکرد منفی به دارایی و ثروت در نگاه امام علی (ع)
۴۰۹	آثار فردی
۴۰۹	آثار روحی - روانی
۴۱۰	شهوَت‌گرایی
۴۱۰	سرکشی

۴۱۰		عمله‌گری
۴۱۱		آشفته‌گی و کشاکش روحی
۴۱۲		تباه‌سازی و توهّم‌گری
۴۱۳		آثار اعتقادی - ایمانی
۴۱۳		سست دینی و تباهی در ایمان
۴۱۴		آثار اخلاقی - رفتاری
۴۱۴		سقوط اخلاقی و نابودی
۴۱۵		تباهی دل و گناه‌ورزی
۴۱۶		آثار اجتماعی
۴۱۶		برده‌داری
۴۱۶		اختلال و اضطراب اجتماعی
۴۱۷		بحران‌های اجتماعی
۴۱۸		نگاه به دارایی‌ها و ثروت‌های عمومی
۴۲۲		فرهنگ نفی اسراف و اتلاف و تبذیر
۴۲۴		مفهوم‌شناسی
۴۲۷		کارکردشناسی
۴۳۰		اصلاح فرهنگی
۴۳۱		اصلاح بینشی
۴۳۲		اصلاح ارزشی
۴۳۳		خردورزی اقتصادی
۴۳۴		دانایی محوری
۴۳۵		آموزش برنامه‌ریزی
۴۳۷		اصلاح اخلاق فردی، اجتماعی
۴۳۹		فرهنگ نفی اتراف
۴۴۲		فرهنگ کار و تلاش اقتصادی
۴۴۳		کار و تلاش اقتصادی منشأ درآمد و رفاه

فهرست مطالب / ۱۳

۴۴۶	ارزشمندی کار و تلاش اقتصادی
۴۴۷	ضد ارزش بودن سستی، تن‌پروری، کم‌کاری و بیکاری
۴۵۰	ارزشمندی کار و تلاش اقتصادی پیوسته و پردامنه
۴۵۲	کار و تلاش اقتصادی توأم با درستی و پاکدامنی
۴۵۳	نمونه کار و تلاش اقتصادی
۴۶۴	فرهنگ غنای کفافی
۴۶۶	فرهنگ باکی اقتصادی
۴۷۲	فرهنگ کیفیت‌گرایی
۴۷۵	فرهنگ قناعت‌ورزی
۴۸۰	فرهنگ اعتدال و میانه‌روی اقتصادی
۴۸۷	پایه‌های عدالت اقتصادی
۴۸۹	دانش اقتصادی
۴۹۲	عقلانیت
۴۹۶	برنامه‌ریزی و تدبیرمندی
۴۹۹	دولت بسامان
۵۰۲	امنیت اقتصادی
۵۱۰	سرمایه‌گذاری
۵۱۳	تولید
۵۱۶	بهره‌وری
۵۱۸	عمران و آبادی
۵۲۱	نظام مالیاتی
۵۲۴	تأمین اجتماعی
۵۳۹	حفظ توازن محیط‌زیست
۵۴۵	عدالت قضایی

۵۴۷	جایگاه عدالت قضایی
۵۵۵	لوازم عدالت قضایی
۵۵۷	گزینش قاضیان
۵۶۵	تأمین مالی قضات
۵۶۵	امنیت شغلی قضات
۵۶۶	پاسدداشت آداب قضاوت
۵۶۶	پاسدداشت برابری میان طرفین دعوا
۵۷۳	پرهیز از قضاوت در حال نامناسب
۵۷۶	قضاوت نکردن پیش از شنیدن سخنان طرفین دعوا
۵۷۹	درگوشی صحبت نکردن در محکمه
۵۸۰	پرهیز از عجله در داوری و تأمل و درنگ پیش از صدور حکم
۵۸۰	وحدت رویه قضایی
۵۸۵	مراقبت از قاضیان و قضاوت آنان
۵۸۷	عزل قاضیان متخلف از رعایت آداب قضاوت
۵۸۸	پاسدداشت اصول دادرسی کیفری
۵۸۸	حفظ حرمت و کرامت متهم و مدعی
۵۹۰	ممنوعیت آزار و شکنجه متهم در اثنای بازجویی
۵۹۳	علنی بودن محاکمه
۵۹۴	آزادی متهم در دفاع از خویش
۵۹۵	حکم بر اساس ظواهر
۵۹۸	رعایت احتیاط در مجازات
۶۰۱	حق اعتراض به رأی قاضی (حق تجدیدنظرخواهی در حکم)
۶۰۳	عدالت فرهنگی
۶۰۵	جایگاه عدالت فرهنگی

فهرست مطالب / ۱۵

لوازم عدالت فرهنگی.....	۶۰۹
آموزش و پرورش همگانی.....	۶۱۱
آگاهی‌یابی و گردش آزاد اطلاعات.....	۶۱۶
پاسداشت سنت‌ها و آیین‌های درست، و نفی سنت‌ها و آیین‌های نادرست.....	۶۲۴
خرافات‌زدایی.....	۶۲۹
زدودن فرهنگ چاپلوسی و ستایشگری، و ترویج فرهنگ انتقاد و خیرخواهی.....	۶۴۳
نفی فرهنگ ریاکاری و فریبکاری و تثبیت فرهنگ راستی و درستی.....	۶۵۵
نفی شخصیت‌زدگی و ترویج حق‌معیاری.....	۶۵۹
امر به معروف و نهی از منکر.....	۶۶۲
نماینده.....	۶۷۵
منابع و مآخذ.....	۶۸۷

پیشگفتار

www.ketab.ir

جایگاه نهج البلاغه

نهج البلاغه، بی تردید پس از قرآن کریم گرانقدرترین و ارزشمندترین میراث فرهنگی اسلام است. این کتاب مجموعه‌ای است به ابعاد وجودی یک انسان کامل، زیرا نازلات و صادرات وجودی است که والاترین وجود پس از پیامبر اکرم (ص) است.

نهج البلاغه، شفای دردهای روحی بشر و راز هدایت اجتماعی و سیاسی است. این کتاب، منشور انسان‌سازی، و دریچه‌ای به نور، و راهی از ملک تا ملکوت است.

نهج البلاغه، مکتوب مبارزه با بیدادگری و زراندوزی و بت‌پروری است؛ و راه برپایی حدود الهی و افق ارزش‌های آرمانی است.

نهج البلاغه، صحیفه ساختن فرد و جامعه، و آموزگار کفرستیزی و فقرستیزی است؛ و نه تنها راه روشن بلاغت (نهج البلاغه) که راه روشن هدایت است.

نهج البلاغه، پُرکننده خلأهای عمیق فکری، اجتماعی و سیاسی، و پاسخگوی مسائل و مشکلات گوناگون مسلمانان و جوامع بشری در همه زمان‌ها و در تمام مکان‌ها است.

نهج البلاغه، دریای معرفت بی‌انتهای نور هدایت بدون خاموشی است؛ و دستورالعملی برای سیادت این‌جهانی و سعادت آن‌جهانی است. امام خمینی در توصیف جایگاه این کتاب شریف فرموده است:

«کتاب نهج البلاغه که نازله روح اوست، برای تعلیم و تربیت ما خفگیان در بستر منیت و در حجاب خود و خودخواهی خود معجونی است برای شفا و مرهمی است برای دردهای فردی و اجتماعی و مجموعه‌ای است دارای ابعادی به اندازه ابعاد یک انسان و یک جامعه انسانی از زمان صدور آن تا هر چه تاریخ به پیش رود و هر چه جامعه‌ها به وجود آید و ملت‌ها متحقق شوند و هر قدر متفکران و فیلسوفان و محققان بیایند و در آن

غور کنند و غرق شوند.^۱

مؤلف نهج البلاغه

مؤلف نهج البلاغه ابوالحسن محمد بن حسین موسوی معروف به «سید رضی» و «شریف رضی» است. وی در سال ۳۵۹ هجری، دیده به جهان گشود و در سال ۴۰۶ هجری، دیده بر جهان فرو بست. سید رضی هم از جانب پدر و هم از جانب مادر نسبی بس شریف داشت. از سوی پدر با پنج واسطه به امام هفتم موسی بن جعفر (ع) و از سوی مادر با شش واسطه به امام چهارم حضرت علی بن الحسین (ع) می‌رسید.^۲ از این رو بهاءالدوله دیلمی او را به «ذی الحسین» و «شریف رضی» ملقب نمود.^۳

سید رضی از اوان کودکی همراه برادرش سید مرتضی به تحصیل علوم مقدّماتی

۱. امام روح‌الله موسوی خمینی، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، چاپ اول، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱-۱۳۷۱ ش. ج ۱۴، ص ۲۲۴ [بخشی از پیام امام خمینی به مناسبت برگزاری کنگره هزاره نهج البلاغه، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۰].

۲. أبو منصور عبد الملك بن محمد بن اسماعیل التمالی، بئمة الدهر فی محاسن أهل العصر، شرح و تحقیق مفید محمد قمیحه، الطبعة الثانية، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۰۳ ق. ج ۳، ص ۱۵۵؛ جمال‌الدین احمد بن علی الحسینی المعروف بابن عتبة، صمد الطالب فی أنساب آل أبي طالب، اشرف علی مراجعته و مقابلة الاصول لجنة احياء التراث، دار مكتبة الحياة، بیروت، ص ۲۳۶.

۳. نک: أبوبکر احمد بن علی الخطیب البغدادی، تاریخ بغداد أو مدینة السلام، دار الکتب العلمیة، بیروت، ج ۲، ص ۲۴۶؛ أبو الفرج عبد الرحمن بن علی بن الجوزی، المتظم فی تاریخ الامم والملوک، دراسة و تحقیق محمد عبدالقادر عطا، مصطفى عبدالقادر عطا، راجعه و صحّحه نعیم زرزور، الطبعة الاولى، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۲ ق. ج ۱۵، ص ۱۱۵؛ أبو الفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر الدمشقی، البداية و النهایة، تحقیق علی شیری، الطبعة الاولى، دار احياء التراث العربی، بیروت، ج ۱۲، ص ۴؛ محمد باقر الخوانساری، روضات الجنّات فی احوال العلماء و السادات، الطبعة الاولى، الدار الاسلامیة، بیروت، ۱۴۱۱ ق. ج ۶، ص ۱۷۸؛ کارل بروکلمان، تاریخ الادب العربی، نقله الی العربیة عبدالحلیم النجار، الطبعة الثانية، افست دار الكتاب الاسلامی، قم، ج ۲، ص ۶۲.

پرداخت و هوش سرشار و استعداد کم‌نظیر خود را در عرصه‌های مختلف ظاهر ساخت. بیش از ده سال از سن شریف رضی نگذشته بود که به سرودن شعر پرداخت و چنان قریحه‌ای از خود نشان داد که سابقه نداشت. هنوز بیستمین بهار زندگی را پشت سر نگذاشته بود که در تمام معارف و علوم اسلامی سرآمد همگان گشت، و در سرودن شعر به مقامی دست یافت که هیچ‌کس بدان مرتبه راه نیافت.

سید رضی در عزت نفس و بلندنظری، سخاوت و بخشندگی، پابندی به امور شرعی، پرهیز از تملق و چالپوسی، پارسایی و پرواپیشگی در روزگار خود مانند نداشت. روح آزادگی در شریف رضی چنان جلوه داشت که با ابواسحاق صابی^۱ غیرمسلمان رابطه‌ای صمیمی داشت و میان آن دو مراودات و مراسلات علمی و ادبی برقرار بود؛ و چون او درگذشت، سید رضی در قصیده‌ای عالی و بسیار حزن‌انگیز او را مرثیه گفت.^۲ برخی از این مرثیه‌سرایی برآشفتنند و سید رضی را سرزنش کردند که شخصی چون او، از دودمان پیامبر، کسی چون ابواسحاق صابی کافر را مرثیه می‌گوید و از فقدان او چنین می‌نالند! و سید رضی پاسخ داد که من فضل و کمال او را ستوده‌ام، نه جسم و بدن او را.^۳

ثعالبی ادیب معاصر یا سید رضی، درگذشته به سال ۴۲۹ هجری، درباره‌ی او

۱. ابواسحاق ابراهیم بن هلال خَوانی از ادیبان و کاتبان برجسته قرن پنجم هجری بوده است. وی در نویسندگی و انشا مقامی بلند داشت و او را در شمار ابن عمید آورده‌اند. ابواسحاق بر آیین صابین (پیروان حضرت یحیی) بود و بر آیین خود تعصب می‌ورزید. ر.ک: محمد بن اسحاق الندیم، الفهرست، طبع تجدید، تهران، ۱۳۹۳ ق. ص ۱۴۹؛ تیمه الذمر، ج ۲، صص ۲۸۷-۳۶۸؛ شهاب‌الدین أبو عبدالله یاقوت الحموی، معجم الادباء، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۲، صص ۲۰-۹۴؛ شمس‌الدین أبو العباس احمد بن محمد بن خلکان، وفيات الأعيان و أنباء أبناء الزمان، تحقیق احسان عباس، دار الثقافة، بیروت، ج ۱، صص ۵۲-۵۴؛ عباس بن محمد رضا القمی، الکنى و الألقاب، المطبعة الحيدرية، النجف، ۱۳۷۶ ق. ج ۲، صص ۳۶۶-۳۶۸؛ زکی مبارک، النشر الفنى فی القرن الرابع، الطبعة الثانية، مكتبة السعادة، القاهرة، ج ۲، صص ۲۹۰-۲۹۵.

۲. نک: أبو الحسن محمد بن الحسين الموسوی (الشريف الرضی)، دیوان الشريف الرضی، الطبعة الاولى، وزارة الارشاد الاسلامی، ۱۴۰۶ ق. ج ۱، صص ۳۸۱-۳۸۵.

۳. الکنى و الألقاب، ج ۲، ص ۳۶۸.

چنین می‌نویسد:

«او اینک نابغهٔ دوران، و نجیب‌ترین بزرگان عراق، و در عین شرافت نسب و افتخار حسب، مزین به ادبی نمایان و فضلی تابان و بهره‌ای وافر از تمام خوبی‌ها و نیکویی‌ها است. از این گذشته او سرآمد شاعرانی است که از دودمان ابوطالب برخاسته‌اند، چه گذشتگان و چه معاصران. و اگر بگوییم او سرآمد شاعران قریش است، گزافه نگفته‌ام که گواه صادق آن اشعار اوست که این ادعا را می‌توان با مراجعه بدانها دریافت؛ اشعاری عالی و استوار، محال از سستی و عوار، که در عین روانی و سلاست، محکم است و با متانت، دارای معانی نغز و بلند، و چونان میوهٔ رسیده و با طراوت.»^۱

سید رضی با وجود گرفتاری‌های بسیار سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و علی‌رغم مشاغل مهم و حساس و وقت‌گیری همچون نقابت طالبیان و امارت حج و نظارت دیوان مظالم،^۲ در عمر چهل و هفت سالهٔ خویش آثاری بس مهم برجای گذاشته است که هر یک در نوع خود ممتاز و حائز اهمیتی بسیار است که البته برخی از آن‌ها به جای مانده و بسیاری از آن‌ها از میان رفته است و جز نام و نشانی از آن‌ها باقی نمانده است. در بین آثار شریف رضی نهج‌البلاغه مهم‌ترین و برجسته‌ترین آن‌ها است که هیچ کتابی پس از قرآن کریم به والایی و شیوایی، و گرانمایگی و جاودانگی آن نمی‌رسد و سید رضی آن را در سال ۴۰۰ هجری، شش سال پیش از وفاتش تألیف کرده است.

چرایی و چگونگی تألیف نهج‌البلاغه

نهج‌البلاغه عنوانی است که سید رضی برای منتخبی از خطبه‌ها و مواعظ، نامه‌ها و عهدنامه‌ها، و کلمات کوتاه و قصار امیرمؤمنان علی (ع) برگزیده است،^۳ و این کتاب در فرهنگ اسلامی مانند آفتاب نیمروز می‌درخشد، و صدفی مشحون به گوهرهایی از

۱. بیمة الدھر، ج ۳، ص ۱۵۵.

۲. نک: بیمة الدھر، ج ۳، ص ۱۵۵؛ عمدة الطالب، ص ۲۳۷.

۳. السید عبدالزھراء الحسینی الخطیب، مصادر نهج‌البلاغه و أسانیده، الطبعة الثانية، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۵ ق. ج ۱، ص ۸۷.

حکمت‌های عالی است.^۱ برای آشنا شدن با چرایی و چگونگی تألیف این اثر جاودان لازم است به انگیزه تألیف، تبویب، کمیت، وجه تسمیه و وجه شاخص تألیف اشاره شود که در ذیل بدان پرداخته می‌شود.

انگیزه تألیف نهج البلاغه

این‌که چه عاملی سبب شد شریف رضی به تألیف نهج البلاغه برانگیخته شود و چنین اثری به وجود آید از امور مهم در شناخت این کتاب بی‌نظیر است. شریف رضی خود در مقدمه‌ای که بر نهج البلاغه آورده، انگیزه جمع‌آوری و تألیف خویش را چنین بیان کرده است:

«در آغاز جوانی و طراوت زندگانی به تألیف کتابی در خصایص و ویژگی‌های ائمه (ع) دست زدم که مشتمل بر خبرهای جالب و سخنان برجسته آنان بود. انگیزه این عمل را در آغاز آن کتاب یادآور شده‌ام و آن را آغاز سخن قرار داده‌ام.^۲

پس از گردآوری خصایص امیرمؤمنان (ع) موانع ایام و گرفتاری‌های روزگار مرا از تمام کردن باقی کتاب بازداشت. آن کتاب را به باب‌ها و فصل‌هایی مختلف تقسیم کرده بودم و در پایان آن فصلی بود که سخنان کوتاه امام (ع) در زمینه مواعظ و حکم و امثال و آداب نقل شده از او را - بجز خطبه‌های بلند و نامه‌های مفصل - در آن فصل آورده بودم. گروهی از دوستان، این فصل را پسندیدند و از نکات بی‌نظیر آن دچار شگفتی شدند و از من خواستند کتابی تألیف کنم که سخنان برگزیده امام در همه رشته‌ها و شاخه‌های گفتارش، از خطبه‌های آن حضرت گرفته تا نامه‌ها و مواعظ و ادبش را در برداشته باشد، زیرا می‌دانستند این کتاب، در بردارنده شگفتی‌های بلاغت و نمونه‌های ارزنده فصاحت و گوهرهای ادبیات عربی و نکات درخشان از سخنان دینی و دنیوی خواهد بود که در هیچ کتابی جمع‌آوری نشده و در هیچ نوشته‌ای تمام جوانب آن گردآوری نگشته است، زیرا

۱. سید هبة‌الدین شهرستانی، در پیرامون نهج البلاغه، ترجمه سید عباس میرزاده اهری، چاپ سوم، بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۵۹ ش. ص ۱۹.

۲. ر. ک: أبو الحسن محمد بن الحسین الموسوی (الشریف الرضی)، خصائص أمير المؤمنين علی بن أبي طالب علیه السلام، منشورات الرضی، قم، ۱۳۶۳ ش. صص ۱-۴.

تنها امیرمؤمنان (ع) است که سرچشمه و آبشخور فصاحت و منشأ و آفریدگار بلاغت است؛ گوهرهای نهفته‌اش به وسیله او آشکار گردیده و آیین و آدابش از او گرفته شده است. تمام خطیبان و سخنوران به او اقتدا کرده و همه واعظان بلیغ از سخن او استمداد جسته‌اند. با وجود این، او همیشه پیشرو است و آنان دنباله‌رو، او مقدم است و آنان مؤخر، زیرا سخنان آن حضرت رنگ علم الهی و عطر سخنان پیامبر را به همراه دارد.

از این رو خواسته آنان را اجابت کردم و این کار بزرگ را آغاز نمودم، در حالی که یقین داشتم سود و نفع معنوی آن بسیار است و به زودی همه جا را تحت سیطره خود قرار خواهد داد و اجر آن ذخیره آخرت خواهد بود؛ و بدین وسیله خواستم علاوه بر فضایل بی‌شمار دیگر، بزرگی فکر و شخصیت امیرمؤمنان (ع) را در فضیلت سخنوری نیز آشکار سازم، زیرا او تنها فردی است که از میان تمام گذشتگان که سخنی از ایشان به جا مانده، به آخرین مرحله فصاحت و بلاغت رسیده است. اما سخنان آن حضرت اقیانوسی است بی‌کرانه و انبوه گوهرهایی که هرگز درخشش آن کاستی نگیرد.^۱

شریف رضی با چنین انگیزه و جهت‌گیری دست به کار شد و به گزینش و باب‌بندی گوهرهای کلام امیرمؤمنان (ع) پرداخت.

تبویب نهج البلاغه

سیدرضی سخنان امیرمؤمنان (ع) را از میان کتاب‌های گوناگون استخراج کرده و با سبکی دلپذیر و مطلوب تنظیم نموده است. خود درباره نحوه باب‌بندی و تقسیم‌بندی مطالب آن چنین نوشته است:

«دیدم سخنان آن حضرت بر گرد سه محور می‌گردد، نخست: خطبه‌ها و فرمانها، دوم: نامه‌ها و پیغام‌ها، و سوم: کلمات حکمت‌آمیز و موعظه‌ها. پس به توفیق الهی ابتدا خطبه‌های شگفت، و سپس نامه‌های زیبا و سرانجام حکمت‌ها و کلمات جالب را انتخاب کردم، و هر یک را در باب مستقل قرار دادم ... و هرگاه سخنی از آن حضرت در مورد

۱. أبو الحسن محمد بن الحسن الموسوی (الشریف الرضی)، نهج البلاغه، ضبط نفسه و ابتکر فهارسه العلمية صبحی الصالح، الطبعة الاولى، بیروت، ۱۳۸۷ ق. مقدمه الشریف الرضی، صص ۳۳-۳۴.

بحث و مناظره یا پاسخ سؤال و یا منظوری دیگر بود که به آن دست یافتم ولی جزو هیچ یک از این سه بخش نبود، آن را در مناسب‌ترین و نزدیک‌ترین باب قرار دادم. چه بسا قسمت‌هایی نامتناسب در این برگزیده سخنان آمده باشد، زیرا من در این کتاب نکته‌های شگفت و قطعه‌های درخشان را برگزیده‌ام و قصدم هماهنگی و نظم تاریخی و پیوستگی میان سخنان نبوده است.^۱

بدین ترتیب سید رضی از سخنان امیرمؤمنان (ع) گزینشی زیبا و هنرمندانه صورت داد و با تبویبی جالب و مفید آن‌ها را مرتب نمود.

کمیت نهج البلاغه

شریف رضی در این گزینش شگفت از کلام امیربیان علی (ع)، تعداد ۲۴۱ خطبه و کلام، ۷۹ نامه و مکتوب و ۴۸۹ حکمت و موعظه را برگزیده است،^۲ و چنان‌که خود اشاره کرده، آن‌چه در این مجموعه گرد آورده است، مستخب و گزیده‌ای از سخنان و مکتوبات امیرمؤمنان (ع) است، نه همه آن‌چه از آن حضرت در کتاب‌ها موجود بوده است. وی در مقدمه نهج البلاغه چنین توضیح داده است:

«ادعا نمی‌کنم که من به همه جوانب سخنان امام (ع) احاطه پیدا کرده، به طوری که هیچ یک از سخنان آن حضرت را از دست نداده باشم، بلکه بعد نمی‌دانم که آن‌چه نیافته‌ام بیش از آن باشد که یافته‌ام و آن‌چه در اختیارم قرار گرفته است کم‌تر از آن چیزی

۱. همان، ص ۳۵.

۲. در نسخه‌ها و شروح مختلف نهج البلاغه این تعداد اندکی مختلف است و دلیل آن این است که برخی، یک خطبه و جز آن را دو بخش نموده و گاهی دو خطبه و غیر آن را تحت یک عنوان و شماره ذکر کرده‌اند. همچنین در بخش حکمت‌ها شریف رضی پس از آوردن ۲۶۰ حکمت، فصلی از حکمت‌هایی گشوده است که غریب می‌نماید و نیازمند تفسیر است و در این فصل ۹ حکمت را ذکر کرده است و سپس به ادامه بخش حکمت‌هایی پرداخته است که نیازمند تفسیر نیست و با شماره ۲۶۱ به بعد مشخص شده است. از این‌رو آن ۹ حکمت گاهی در شمارش حکمت‌ها از یاد رفته و تعداد حکمت‌ها کم‌تر معرفی شده است.

باشد که به دستم نیامده است.^۱

یعقوبی، مورخ برجسته، در گذشته به سال ۲۸۴ هجری، اظهار کرده که مردم چهارصد خطبه از خطبه‌های آن حضرت را به خاطر سپرده‌اند و این خطبه‌ها در میان مردمان متداول است و از آن‌ها در خطبه‌های خویش بهره می‌گیرند.^۲

همچنین مسعودی، مورخ نامدار، در گذشته به سال ۳۴۶ هجری، نوشته است که آن‌چه مردمان از خطبه‌های آن حضرت به خاطر سپرده‌اند چهارصد و هشتاد و چند خطبه است که بالبدیهه ایراد می‌کرد و مردم آن را حفظ می‌کردند و می‌نوشتند و از هم می‌گرفتند.^۳

این تعداد خطبه‌ها که خطبه‌های مشهور و متداول بوده است، تقریباً دو برابر آن چیزی است که شریف رضی گزینش کرده است؛ و البته بی‌گمان خطبه‌ها و سخنان و نوشته‌ها و حکمت‌ها و موعظه‌های امام (ع) بسیار بیش از این‌ها بوده است و با توجه به کتاب‌های مستدرکی که بعدها به ویژه در حال حاضر تألیف شده و آن‌چه شریف رضی گردآورده و آن‌چه را گرد نیاورده است در آن مجموعه‌ها جمع کرده‌اند،^۴ می‌توان حدس زد که شریف رضی تقریباً یک دوازدهم از مجموعه سخنان و نوشته‌ها و کلمات قصار امام (ع) را گردآورده و در تألیف بی‌نظیر خود ارائه کرده است.

۱. مقدمه نهج البلاغة، ص ۳۶.

۲. احمد بن ابی‌یعقوب بن جعفر بن واضح الیعقوبی، مشکاة الناس لزمانهم، الطبعة الاولى، دار الکتاب الجدید، بیروت، ص ۱۵.

۳. أبوالحسن علی بن الحسین المسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، دار الاندلس، بیروت، ج ۲، ص ۴۱۹.

۴. آخرین و گرانقدرترین تألیف در این باره، اثری است با عنوان نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغة، تألیف شیخ محمدباقر محمودی، از عالمان سختکوش معاصر که بالغ بر چهارده مجلد می‌شود. در انگیزه و صورت این اقدام بزرگ نک: محمدباقر المحمودی، نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغة، الطبعة الاولى، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، مؤسسة التضامن الفکری، بیروت، ۱۳۸۵-۱۳۹۷ ق. ج ۱، مقدمه، صص ۱۶-۷.

وجه تسمیه و وجه شاخص تألیف

شریف رضی تألیف گرانقدر خود را نهج البلاغه یعنی راه روشن بلاغت نام گذاشته و در وجه تسمیه آن چنین نوشته است:

«پس از تمام شدن کتاب، چنین دیدم که نامش را نهج البلاغه بگذارم، زیرا این کتاب درهای بلاغت و سخنوری را به روی بیننده خود می‌گشاید و خواسته‌هایش را به او نزدیک می‌سازد. هم دانشمند و دانشجو را بدان نیاز است، و هم مطلوب سخنور و پارسا در آن هست»^۱

شریف رضی نامی را برای این کتاب جاودان برگزید که مناسب‌ترین عنوان بود. شیخ محمد عبده در مقدمه‌ای که بر شرح خود بر نهج البلاغه آورده، در این باره چنین نوشته است:

«این کتاب جلیل، مجموعه‌ای است از سخنان سید و مولای ما امیرمؤمنان علی بن ابی طالب کرم الله وجهه که سید شریف رضی (ره) از سخنان متفرق آن حضرت گزینش و گردآوری کرده و نام آن را نهج البلاغه نهاده است؛ و من اسمی مناسب‌تر و شایسته‌تر از این اسم که دلالت بر معنای آن بکند، سراغ ندارم و بیش‌تر از آن چه این اسم بر آن دلالت دارد، نمی‌توانم آن را توصیف نمایم»^۲

عنوانی که شریف رضی برای تألیف خویش برگزید، بیانگر وجهی از کلمات امیر بیان علی (ع) بود که او را شیفته و فریفته خود ساخته بود و این وجه نهج البلاغه، وجهی است که به سبب فصاحت والا و بلاغت اعلای کلام، آن را تا عمق جان هر کس نفوذ می‌دهد و حکمت‌ها و معرفت‌های بی‌مانندش را ابلاغ می‌نماید. استاد شهید، مرتضی مطهری در این باره می‌نویسد:

«سید رضی شیفته سخنان علی (ع) بوده است. او مردی ادیب و شاعر و سخن‌شناس بود ... سید رضی به خاطر همین شیفتگی که به ادب عموماً و به کلمات علی (ع) خصوصاً داشته است، بیش‌تر از زاویه فصاحت و بلاغت و ادب به سخنان مولی می‌نگریسته است

۱. مقدمه نهج البلاغه، ص ۳۶.

۲. محمد عبده، شرح نهج البلاغه، الطبعة الاولى، دار البلاغة، بیروت، ۱۴۰۹ ق.

و به همین جهت در انتخاب آن‌ها این خصوصیت را در نظر گرفته است، یعنی آن قسمت‌ها بیش‌تر نظرش را جلب می‌کرده است که از جنبه بلاغت برجستگی خاص داشته است؛ و از این رو نام مجموعه منتخب خویش را نهج البلاغه نهاده است.^۱

کتابی شگفت

بدین ترتیب کتابی ظهور یافت که جلوه‌ای است از جلوه‌های وجود علی (ع) نسخه یگانه هستی و مظهر همه کمالات الهی. نهج البلاغه کتابی است که در آن والاترین اندیشه‌ها و معرفت‌ها، و نیکوترین سیرت‌ها و سلوک‌ها جلوه یافته و انسان‌ها را راه نموده و هدایت کرده است.

بر کسی پوشیده نیست که امیرمؤمنان (ع) پیشوای فصیحان و سرور بلیغ‌سخن‌گویان است و این‌که سخن او والاترین سخن پس از کلام خداوند و پیامبر اکرم است،^۲ چنان‌که درباره سخن آن حضرت گفته‌اند: «پایین‌تر از سخن خداوند و بالاتر از گفتار همه مخلوقات است.»^۳

علامه سبط ابن جوزی، درگذشته به سال ۶۵۴ هجری، درباره کلام امیرمؤمنان (ع) و شگفتی‌آفرینی آن می‌نویسد:

«علی (ع) به بیانی سخن گفته که سرشار از عصمت است، او با میزان حکمت سخن رانده، سخنی که خداوند بر آن مهابت و شکوه افکنده است، این کلمات به گوش هر کس رسد، او را به شگفتی و حیرت وامی‌دارد. خداوند در سخن گفتن بدو نعمتی ارزانی داشته که توانسته است حلاوت و ملاحات را یک‌جا گرد آورد، و سحر بیان و زیبایی فصاحت را با هم درآمیزد. نه می‌توان از آن کلمه‌ای اسقاط نمود، و نه با حجت و دلیلی با آن مسابقت

۱. مرتضی مطهری، سیری در نهج البلاغه، چاپ دوم، انتشارات عین الهی، ۱۳۵۸ ش. صص ۴-۵.

۲. مصادر نهج البلاغه، ج ۱، ص ۴۳.

۳. عزالدین عبدالحمید بن هبة الله ابن ابی الحدید المعتزلی، شرح نهج البلاغه، بتحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، الطبعة الاولى، دار احیاء الکتب العربیة، مصر، ۱۳۷۸ ق. ج ۱، ص ۲۴.

داد. سخنگویان را به عجز و ناتوانی کشانده و گوی سبقت از همگان ربوده است. کلمات او الفاظی است که نورانیت نبوت بر آن تابیده و آنچه از وی صادر شده عقل‌ها و فهم‌ها را متحیر و شگفت‌زده ساخته است.^۱

نهج البلاغه از وجوه گوناگون کتابی شگفت است: الفاظ، جملات، بافت سخن، هندسه بیان، موسیقی کلام، قوت و استحکام، لطافت و سحر بیان، معانی و معارف والا، تأثیرگذاری بر دل‌ها و نفوذ در جان‌ها، و محدود نبودن به یک زمینه خاص. استاد شهید، مرتضی مطهری در این باره می‌نویسد:

«از امتیازات برجسته سخنان امیرالمؤمنین که به نام نهج البلاغه امروز در دست ما است، این است که محدود به زمینه‌ای خاص نیست. علی (ع) به تعبیر خودش تنها در یک میدان اسب ناخته است، در میدان‌های گوناگون که گاهی بعضی با بعضی متضاد است تکاور بیان را به جولان درآورده است. نهج البلاغه شاهکار است، اما نه تنها در یک زمینه، مثلاً: موعظه، یا حماسه، یا فرصاً عشق و غزل، یا مدح و هجاء و غیره، بلکه در زمینه‌های گوناگون.

این که سخن شاهکار باشد ولی در یک زمینه، البته زیاد نیست و انگشت‌شمار است، ولی به هر حال هست. این که در زمینه‌های گوناگون باشد ولی در حد معمولی نه شاهکار، فراوان است، ولی این که سخنی شاهکار باشد و در عین حال محدود به زمینه‌ای خاص نباشد، از مختصات نهج البلاغه است. بگذریم از قرآن کریم که داستانی دیگر است؛ کدام شاهکار را می‌توان پیدا کرد که به اندازه نهج البلاغه متنوع باشد؟

سخن نماینده روح است. سخن هر کس به همان دنیایی تعلق دارد که روح گوینده‌اش به آنجا تعلق دارد. طبعاً سخنی که به چندین دنیا تعلق دارد نشانه روحیه‌ای است که در انحصار یک دنیای به خصوص نیست. و چون روح علی (ع) محدود به دنیایی خاص نیست، در همه دنیاها و جهان‌ها حضور دارد، و به اصطلاح عرفا انسان کامل و کون جامع

۱. شمس‌الدین ابوالمظفر یوسف بن قزواغلی (سبط ابن الجوزی)، تذکره الخواص، مؤسسه اهل‌البیت، بیروت، ۱۴۰۱ ق. ص ۱۱۴.

و جامع همه حضرات و دارنده همه مراتب است، سخنش نیز به دنیایی خاص محدود نیست. از امتیازات سخن علی این است که به اصطلاح شایع عصر ما چند بُعدی است، نه یک بُعدی.

خاصیت همه‌جانبه بودن سخن علی و روح علی مطلبی نیست که تازه کشف شده باشد، مطلبی است که حداقل از هزار سال پیش اعجاب‌ها را برمی‌انگیخته است. سید رضی که به هزار سال پیش تعلق دارد، متوجه این نکته و شیفته آن است، می‌گوید:

”از عجایب علی (ع) که منحصر به خود اوست و احدی یا او در این جهت شریک نیست، این است که وقتی انسان در آن‌گونه سخنانش که در زهد و موعظه و تنبیه است تأمل می‌کند، و موقتاً از یاد می‌برد که گوینده این سخن، خود، شخصیت اجتماعی عظیمی داشته و فرمانش همه‌جانبه و مالک‌الرقاب عصر خویش بوده است، شک نمی‌کند که این سخن از آن کسی است که جز زهد و کناره‌گیری چیزی را نمی‌شناسد و کاری جز عبادت و ذکر ندارد، گوشه‌خانه یا دامنه‌کوهی را برای انزوا اختیار کرده، جز صدای خود چیزی نمی‌شنود و جز شخص خود کسی را نمی‌بیند و از اجتماع و هیاهوی آن بی‌خبر است. کسی باور نمی‌کند که سخنانی که در زهد و تنبیه و موعظه تا این حد موج دارد و اوج گرفته است، از آن کسی است که در میدان جنگ تا قلب لشکر فرو می‌رود، شمشیرش در اهتزاز است و آماده ریودن سر دشمن است، دلیران را به خاک می‌افکند و از دم تیغش خون می‌چکد، و در همین حال این شخص زاهدترین زهاد و عابدترین عباد است.“^۱

سید رضی آن‌گاه می‌گوید: ”من این مطلب را فراوان با دوستان در میان می‌گذارم و اعجاب آن‌ها را بدین وسیله برمی‌انگیزم.“^۲

شیخ محمد عبده نیز تحت تأثیر همین جنبه نهج‌البلاغه قرار گرفته است، تغییر پرده‌ها در نهج‌البلاغه و سیر دادن خواننده به عوالم گوناگون بیش از هر چیز دیگر مورد توجه و اعجاب او قرار گرفته است، چنان‌که خود او در مقدمه شرح نهج‌البلاغه‌اش اظهار می‌دارد. از همه این‌ها گذشته نکته جالب دیگر این است که علی (ع) با این که همه درباره

۱. مقدمه نهج‌البلاغه، صص ۳۵-۳۶.

۲. همان، ص ۳۶.

معنویات سخن رانده است، فصاحت را به اوج کمال رسانیده است. علی از می و معشوق و یا مفاخرت و امثال این‌ها که میدان‌هایی باز برای سخن هستند، بحث نکرده است. به علاوه او سخن را برای سخن و اظهار هنر سخنوری ایراد نکرده است. سخن برای او وسیله بوده نه هدف. او نمی‌خواسته است به این وسیله یک اثر هنری و یک شاهکار ادبی از خود باقی بگذارد. بالاتر این‌که سخنش کلیت دارد، محدود به زمان و مکان و افرادی معین نیست. مخاطب او انسان است و به همین جهت نه مرز می‌شناسد و نه زمان. همه این‌ها میدان را از نظر شخص سخنور محدود و خود او را مقید می‌سازد.

عمده جهت در اعجاز لفظی قرآن کریم این است که با این‌که یکسره موضوعات و مطالبش با موضوعات سخنان متداول عصر خود مغایر است و سر فصل ادبیات جدیدی است و با جهان و دنیایی دیگر سر و کار دارد، زیبایی و فصاحتش در حد اعجاز است. نهج البلاغه در این جهت نیز مانند سایر جهات متأثر از قرآن و در حقیقت فرزند قرآن است.^۱

نهج البلاغه چشمه‌ای است از خورشید حقیقت که رایحه وحی الهی و شمیم کلام نبوی از آن استشمام می‌شود. کتابی که دربرگیرنده حکمت‌های متعالی، قوانین راستین سیاسی، مواظب نورانی، سلوک الهی، نظام تربیتی، آیین حکومتداری، سنت‌های تاریخی و عرفان حقیقی است.

روش‌های مرور و مطالعه نهج البلاغه

به منظور مرور و مطالعه نهج البلاغه و سیر در معارف والای آن می‌توان به یکی از سه روش زیر یا ترکیبی از آن‌ها عمل کرد:

۱. روش ترتیبی
۲. روش تجزیه‌ای
۳. روش موضوعی

روش ترتیبی

هدف از این روش مرور و غوری است به ترتیب از ابتدای نهج البلاغه تا انتهای آن و بررسی ترتیبی خطبه‌ها و سخنان، نامه‌ها و مکتوبات، حکمت‌ها و کلمات قصار آن حضرت، چنان‌که شارحان بزرگ نهج البلاغه بدین روش نهج البلاغه را شرح کرده‌اند، چونان: ظهیرالدین ابوالحسن علی بن زید بیهقی معروف به فرید خراسان، درگذشته به سال ۵۶۵ هجری، در معارج نهج البلاغه؛ قطب‌الدین ابوالحسن سعید بن هبة‌الله بن حسن راوندی معروف به قطب راوندی، درگذشته به سال ۵۷۳ هجری، در منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه؛ ابوالحسن محمد بن حسین بیهقی نیشابوری معروف به قطب‌الدین کیدری، از عالمان بزرگ شیعه قرن ششم، در حدائق الحقائق فی شرح نهج البلاغه؛ علی بن ناصر سرخسی، از عالمان بزرگ قرن ششم، در أعلام نهج البلاغه؛ عزالدین عبدالحمید بن هبة‌الله ابن ابی‌الحدید معتزلی، درگذشته به سال ۶۵۶ هجری، در شرح نهج البلاغه؛ کمال‌الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی، درگذشته به سال ۶۷۹ هجری، در شرح نهج البلاغه؛ مولی فتح‌الله کاشانی، درگذشته به سال ۹۸۸ هجری، در تنبیه الغافلین و تذکرة العارفين؛ میرحبيب‌الله بن محمد خویی، درگذشته به سال ۱۳۲۴ هجری، در منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه.

این شارحان بزرگ و گرانقدر هر یک با توجه به پیش و گرایش خود از منظری به نهج البلاغه نگریسته‌اند و هر یک به شرح و تفسیر و جوهی از این مجموعه پرداخته‌اند و با توجه به نوع دیدگاه خود برخی از جنبه‌ها را گسترده‌تر مطرح نموده‌اند. سخنان امیرمؤمنان علی (ع) دارای وجوه گوناگون و جلوه‌ها و جاذبه‌های مختلف است و برای درک مفیدتر و همه‌جانبه آن بهتر است آن سخنان از زوایای مختلف و جهات گوناگون مورد بحث و بررسی قرار گیرد، از جمله:

۱. از جنبه لغت و ادب و بلاغت

۲. از جنبه قرآنی

۳. از جنبه تاریخی

۴. از جنبه اجتماعی و سیاسی

۵. از جنبه حقوقی
 ۶. از جنبه اعتقادی
 ۷. از جنبه فلسفی و عرفانی
 ۸. از جنبه تربیتی و تعلیمی
 ۹. از جنبه روانشناسی فردی و اجتماعی
 ۱۰. از جنبه اقتصادی و مالی
 ۱۱. از جنبه حکومتی و مدیریتی
 ۱۲. از جنبه فقهی
 ۱۳. از جنبه تفسیری
 ۱۴. از جنبه اخلاقی
- و از جوانب دیگر که هر بخش از کلام امام (ع) دارای جنبه‌هایی از موارد ذکر شده و ذکر نشده است.

روش تجزیه‌ای

در این روش بخشی یا جزئی از نهج البلاغه یا برخی خطبه‌ها و سخنان، یا نامه‌ها و مکتوبات، یا حکمت‌ها و کلمات قصار گزینش می‌شوند و مورد بررسی و شرح قرار می‌گیرند. این روش همانند روش ترتیبی است، با این تفاوت که بخشی یا جزئی مورد بررسی و شرح واقع می‌شود. طبیعی است که آن بخش یا جزء را می‌توان از جنبه‌ها و جهات مختلف مورد تأمل و دقت قرار داد و از آن درس آموخت و بدان هدایت یافت. مزیت عمده این روش آن است که می‌توان خطبه، نامه، یا حکمت مورد نیاز را مطالعه و غور کرد و زمانی طولانی برای مرور نیاز نیست، درحالی که مرور و مطالعه ترتیبی زمان بسیار می‌طلبد.

روش موضوعی

در این روش، موضوعی خاص مورد نظر قرار می‌گیرد و به نهج البلاغه عرضه می‌شود و کلیه مطالبی که مستقیم یا غیر مستقیم موضوع مورد نظر را تبیین می‌نماید، بررسی می‌شود

و دسته‌بندی می‌گردد و از آموزه‌های امام بیرون از نهج البلاغه نیز برای فهم بهتر آن کمک گرفته می‌شود. سپس جمع‌بندی آن مطالب ارائه می‌شود. بدین ترتیب می‌توان مباحث مختلف تربیتی، اعتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... را مورد بررسی قرار داد. از مزیت‌های این روش آن است که کم‌تر دچار پراکندگی موضوعی می‌شود و می‌توان به جمع‌بندی در موضوعی خاص دست یافت و جوانب مختلف یک موضوع را مورد بررسی قرار داد و تبیینی نسبتاً کامل درباره‌ی یک موضوع انجام داد. با این روش می‌توان به نظریات و دیدگاه‌های امام علی (ع) - تجسم اسلام ناب و جامع - درباره‌ی موضوعی خاص پی برد و با روش و سیره‌ی آن حضرت در موضوعات مورد نظر آشنا شد. در این روش سخنان و مواضع امام (ع) - که از موارد گوناگون استخراج می‌شود - یکدیگر را معنا و تفسیر می‌کنند و جهت صحیح را در برداشت از نهج البلاغه نشان می‌دهند، زیرا نهج البلاغه مجموعه‌ای یکپارچه و پیکری واحد است که سراسر آن هماهنگ، و ابتدا و انتهای آن یکسان است؛ به بیان ابن ابی‌الحدید معتزلی:

«اگر کسی با تأمل و دقت در نهج البلاغه بیندیشد، همه‌ی آن را آبی زلال از یک سرچشمه، برخوردار از یک روح و جوهر، و دارای یک طرز و سبک می‌یابد، عیناً مانند جسمی ساده و بسیط که هیچ جزء آن در ماهیت با دیگر اجزاء اختلافی ندارد؛ همانند قرآن کریم که اول آن چون وسط آن، و وسط آن مانند آخر آن است، و همه‌ی سوره‌ها و کلّ آیات آن در سرچشمه و روش و طریقه و فن و سیاق و بلاف، مانند هم و یکسان و یکپارچه‌اند.»^۱

این ویژگی بی‌نظیر و شگفت نهج البلاغه، زمینه لازم را برای مراجعه‌ی موضوعی و مطرح کردن درد و مشکل، و گرفتن درمان و راه‌حل، آماده ساخته است. البته در روش موضوعی از آثار انجام یافته به دو روش دیگر بی‌نیاز نیستیم و آن‌ها به عنوان ابزارهای کمکی این روش را یاری می‌دهند.

۱. شرح ابن ابی‌الحدید، ج ۱۰، صص ۱۲۸-۱۲۹.